

احمد زیدآبادی: معتاد قدرت شده‌اید

حمیدرضا جلایی‌پور: مبلغ انفعال هستید

مناظره‌ای درباره‌ی اصلاح‌طلبان و انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸

(این مناظره به میزبانی مجله اندیشه‌پویا و در اسفندماه ۱۳۹۷ انجام شده و در شماره ۵۷ این مجله منتشر شده است)

اندیشه‌پویا: «به عقب باز نمی‌گردیم»؛ این محوری‌ترین شعار بود که کمپین‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان در دفاع از روحانی به کار بردند. می‌خواستند به مردم بگویند اگرچه ممکن است روحانی نتواند اصلاحات را پیش ببرد اما اوضاع به عقب نیز باز نخواهد گشت و منظورشان دوره‌ی دوم دولت محمود احمدی‌نژاد بود و سایه‌ی جنگ، تحریم، تورم بی‌سابقه، سوءمدیریت و فساد. اما سالی که گذشت برای اصلاح‌طلبان «عام‌المصیبه» بود. شوک ناشی از وقایع دی‌ماه با خروج امریکا از برجام پیوند خورد و نه تنها مهم‌ترین دستاورد دولت در سیاست خارجی از دست رفت که به افزایش نرخ ارز و بحرانی شدن اقتصاد ایران نیز انجامید. بدین ترتیب مشروعیت اصلاح‌طلبان که پیوندی ناگسستنی با دولت روحانی داشتند، در موقعیت افول قرار گرفت. در چنین پیش‌زمینه‌ای، اصلاح‌طلبان در معرض حملات گسترده‌ای در فضای مجازی قرار گرفتند؛ و ضعف‌های پیشین آن‌ها از ناکارآمدی تشکیلاتی، تا فقدان گفتمان پیش‌برنده، و از ضعف رابطه با خرده‌جنبش‌های مطالباتی، تا عدم جوان‌گرایی در تشکیلات، بیش از پیش در معرض داوری‌های انتقادی قرار گرفت. با هدف نقد و بررسی کارنامه‌ی یک سال اخیر اصلاح‌طلبان و تحلیل راه‌های پیش‌روی آن‌ها در انتخابات سال آینده‌ی مجلس، میزبان مباحثه‌ای بودیم میان حمیدرضا جلایی‌پور و احمد زیدآبادی؛ دو فردی که در سال‌های اخیر نمادهایی از دو نوع طرز تفکر متفاوت در جبهه‌ی سیال اصلاح‌طلبان بوده‌اند. احمد زیدآبادی از سوی منتقدانش در جبهه‌ی اصلاح‌طلبی به نوعی رادیکالیسم انفعالی متهم بوده است و حمیدرضا جلایی‌پور نیز به نوعی اصلاح‌طلبی مستحیل در محافظه‌کاری. در ادامه خواننده‌ی این مباحثه‌ی پرچالش هستید؛ مباحثه‌ای که در آن زیدآبادی با اشاره به بحران فقدان دستاورد در جریان اصلاحات، و عدم توفیق ایشان در دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی، عدم ورود به قدرت سیاست را توصیه می‌کند و اصرار اصلاح‌طلبان بر حضور در قدرت را ناشی از اعتیاد به قدرت می‌داند؛ و در مقابل، جلایی‌پور با تأکید بیش‌تر بر اهداف سلبی جنبش اصلاحی بر لزوم حضور فعالانه‌ی اصلاح‌طلبان در انتخابات تأکید دارد و کناره‌گیری داوطلبانه را عین انفعال می‌خواند.

اندیشه پویا: یک سال قبل به دنبال حوادث دی ماه ۱۳۹۶ حزب اتحاد ملت در بیانیه‌ای به آسیب‌شناسی علل وقوع این حوادث و رویگردانی بخشی از مردم از اصلاح‌طلبان پرداخت. در بندی از این بیانیه آمده بود: «تداوم دفاع و حمایت اصلاح‌طلبان مشهور و صاحب رسانه و تریبون با استناد به ضرورت‌های موقعیت و شرایط سیاسی جاری کشور از روحانی و تهی شدن گفتمان اصلاحات از مواضع پیش‌برنده و در عین حال رشد عنصر انفعال و ناامیدی در بدنه اصلاحات موجب القای این گزاره در سطوح و لایه‌هایی از پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان شد که گفتمان اصلاحات اسیر نوعی محافظه‌کاری شده و جذابیت گفتمانی خود را از دست داده است و از اصلاح‌طلبی جز نام خاصی برای عده‌ای شناخته‌شده چیزی باقی نمانده است. اصلاح‌طلبان در لایه‌هایی مواجه شدند با هوادارانی که از تحلیل «نمی‌گذارند» به برداشت «نمی‌توانند» و خطرناک‌تر از آن به «نمی‌خواهند» در توصیف اصلاح‌طلبان گذر کرده بودند.» به نظر می‌رسد چنین وضعیتی در یک سال گذشته نیز کمابیش برقرار بوده و حتا وخیم‌تر شده؛ بحران‌های اقتصادی و مدیریتی در یک سال اخیر همچنان وجود داشته، دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان با افول محبوبیت مواجه شده، و به تبع‌اش اصلاح‌طلبان نیز به بی‌عملی متهم بوده‌اند. آقای جلالی‌پور! وقتی به این بیانیه که حزب شما یک سال پیش تر منتشر کرده نگاه می‌کنیم، این پرسش مطرح می‌شود که چرا به رغم این آسیب‌شناسی، اصلاح‌طلبان راهبرد و برنامه جدی‌ای برای اصلاح جایگاه خود انجام نداده‌اند؟ خصوصاً آن که اصلاح‌طلبان باید خود را برای انتخابات مجلس در سال پیش‌رو آماده کنند.

حمیدرضا جلالی‌پور: آن اطلاعیه مال یک سال پیش بود و الان شرایط عوض شده و تدریجاً داخل و براندازهای سیراب‌شده از پول عربستان در خارج مشغول زدن دولت روحانی‌اند. اصلاح‌طلبان در خلأ فعالیت سیاسی نمی‌کنند. آن‌ها در این کشور در محاصره راست افراطی جهانی، فعالیت می‌کنند. لذا ابتدا باید اوضاع کشور و نیروهای سیاسی بازبزر را تحلیل کنیم و عاملیت و موازنه نیروها را بشناسیم. قبل از آن اجازه دهید اوضاع کشور را در یک سال آینده و وضع نیروها را توضیح دهم. پیش‌بینی شرایط کل کشور سخت است اما اجمالاً می‌توان گفت اوضاع کشور و اصلاح‌طلبان به این شش زمینه یا متغیر مرتبط است: اول این که میزان مقاومت «اقتصاد ایران» در برابر فشار تحریم چقدر است و آیا حاکمیت دنبال «تحریم‌شکنی» از راه مذاکره می‌رود یا نه؟ متأسفانه فعلاً اقتصاددانان کشور وضع خوبی را پیش‌بینی نمی‌کنند. دوم این که میزان «گشودگی حاکمیت» در انتخابات آینده چه مقدار خواهد بود که فعلاً علائمی از این گشایش دیده نمی‌شود. سوم این که باید دید مختصات این اصلاحات ساختاری که علی لاریجانی خبر آن را داد و قرار است در چهار ماه آینده انجام بشود چیست؟ یک اصلاحات بودجه‌ای است یا بیش‌تر

است؟ چهارم این که کشور در شرایط نگرانی و تنش است و باید نگران بود در این شرایط نامساعد از سوی تندروها در خارج و داخل یکباره کار غیرمنتظره‌ای انجام نشود. پنجم این که از هم‌اکنون اثرات سیاسی افزایش «گرانی‌ها» روی مردم در سال آینده به‌درستی روشن نیست. ششم این که اعتراضات پراکنده و متوالی صنفی و مردمی ادامه خواهد داشت ولی روشن نیست که این اعتراضات یکپارچه بشود یا نه؟ وضعی که این شش متغیر پیدا می‌کند روی وضع یک سال آینده اثر می‌گذارد و بر اساس داده‌ها و شواهد فعلی وضع خوبی در پیش نیست. حالا اگر به سه نیروی عاملیتی موجود نگاه کنیم وضع باز زیاد خوب نیست. نیروی اول دولت موازی است که معتقد است (یکم) نظام پیچ ترامپ را رد می‌کند و ترامپ را یک دوره‌ای می‌داند اما به صورت غیررسمی مشکلی با مذاکره ندارند؛ (دوم) هدفش بازگشت به قبل از سال 1388 است و (سوم) فعلاً ترکیب مورد علاقه‌اش در تصمیم‌گیری برای آینده، صادق و علی لاریجانی و رئیسی هستند؛ (چهارم) قرار نیست دیپلماسی انقلابی و استثنایی آن‌ها تغییر کند، به‌رغم این که هزینه اقتصادی این دیپلماسی بیش‌تر از توان اقتصادی کشور باشد؛ (پنجم) حضور یک اقلیت اصلاح‌طلب و جریان ضعیف اصلاحی را در مجلس تحمل می‌کند و بنابراین به بخش پیشروی اصلاحات برای جلوگیری کردن از انسجام بیش‌تر «جبهه اصلاحات» همچنان فشار می‌آورد؛ (ششم) فشار آن‌ها بر نمایندگان واقعی اقلیت اجتماعی و مطالباتی جامعه کاهش نمی‌یابد و (هفتم) در انتخابات آینده کوشش می‌کند اصول‌گرایان با نیروهای جدید و جوان بیابند و مخالف کاستن از «نظارت استصوابی حداکثری» است. نیروی دوم، نیروی تحول‌طلب است که (اول) وضع موجود را بن‌بست می‌داند و (دوم) کار اصلاح‌طلبان را تمام‌شده می‌داند و (سوم) راه خروج کشور از بن‌بست را خیابان، مقاومت مدنی و اعتراض فراگیر مردمی می‌داند. مشکل تحول‌طلبان این است که دائم تکرار می‌کنند «اصلاح‌طلب و اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا» ولی خود آن‌ها هم در این دو سال جز تخطئه اصلاح‌طلبان اقدامی که به نفع دموکراسی مؤثر باشد انجام نداده‌اند و بیش‌تر بازار تبلیغاتی رسانه‌های ماهواره‌ای برانداز را گرم کرده‌اند و دائم هم برای اصلاح‌طلبان نسخه می‌پیچند و تعیین تکلیف می‌کنند. خصوصاً بی‌محابا در شرایط کنونی تحریم به دولت روحانی حمله می‌کنند. نیروی سوم، نیروهای اصلاح‌طلب‌اند. اصلاح‌طلبان یک جبهه و جریان متکثرند ولی دو جریان آن فعال‌اند. جریان اول معتقد است باید مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم و جریان دوم که اصلاح‌طلبان پیشرو هستند، می‌خواهند فعالانه و معنادار و نه به هر قیمت در انتخابات شرکت کنند. اصلاح‌طلبان چون اصلاح‌طلب‌اند با فرصت انتخابات راهبردی و مسئولانه مواجه می‌شوند و سه کار را حتماً انجام خواهند داد. (اول) حداکثر استفاده از فضای انتخابات تا روز رأی‌گیری برای تقویت فعالیت حزبی و ترویج گفتمان دموکراسی؛ (دوم) تلاش برای رسیدن به اجماع در مورد رأی دادن یا ندادن در برخی یا تمام حوزه‌های انتخاباتی؛ (سوم) تنظیم یک برنامه و پلتفرم از پیش تعیین‌شده و امضاشده که فعالیت نمایندگان اصلاح‌طلب یا نزدیک به اصلاح‌طلب در مجلس آینده بر اساس آن خواهد بود. اصلاح‌طلبان از 1388 تا 1396 برای بقا تلاش می‌کردند ولی در انتخابات سال آینده برای کاندیداهای خود پلتفرم و برنامه دارند و آن‌ها را به صورت تکنوازه‌ها نخواهند کرد. البته شاید اصلاح‌طلبان با کنشگری انتخاباتی نتوانند گشایش چشمگیری در فضای سیاسی ایجاد کنند ولی اگر خدای نکرده کشور با بحران‌های ناامن‌کننده روبه‌رو شود، یک نیروی بازدارنده و تعادل‌بخش در جهت حفظ ایران خواهند بود. حال اگر بخواهیم برگردیم به سؤال شما، باید بگوییم در شرایط کنونی که کشور با تحریم ناجوانمردانه ترامپ و نتانیاهو روبه‌روست، اصلاح‌طلبان از نقد همدلانه دولت روحانی دفاع می‌کنند ولی زدن و تخریب دولت روحانی را یک نانسازی‌گری و نامردی آشکار می‌دانند. و تخریب کلیت نظام را در شرایط ناامن خاورمیانه عین بی‌مسئولیتی و ایران‌سوزی می‌دانند. شرایط

کنونی جامعه ایران برای «انقلاب کلاسیک» و حتی «انقلاب آرام» فراهم نیست و پیگیری تغییرات در شرایط کنونی و جنگی خاورمیانه از طریق «تقابل» نیروهای جامعه مدنی با حاکمیت، عقلایی نیست و تغییرات از طریق «تعامل و گفت‌وگوی نخبگان» سودمندتر است. لذا طرفداران سیاست خیابانی توجه ندارند چشم‌انداز سیاست خیابانی در ایران وقوع یک انقلاب نیست بلکه حرکت در جهت نامنی ساختاری و فروپاشی سیاسی و آسیب به تمامیت ایران است. بهار کنشگری سیاسی در ایران همچنان «فضای انتخاباتی» است و انتخابات برای اصلاح امور همچنان جنبه اساسی دارد. نقطه عطف‌های چهار دهه گذشته در جامعه ایران همگی در فرایندهای انتخاباتی شکل گرفته. احتمالاً در انتخابات آینده، عده‌ای همراه با شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاحات (شعسا)، عده‌ای با شورای هماهنگی و عده‌ای هم به عنوان اصلاح‌طلبان پیشرو عمل می‌کنند؛ ولی همگی در یک سال آینده با کسانی که «سیاست خیابانی» را به جای سیاست انتخاباتی ترویج می‌کنند مرزبندی جدی دارند. چرا که همچنان تقویت جمهوری خواهی را از طریق مشارکت فعال و مشروط در انتخابات دنبال می‌کنند و واگذار کردن انتخابات و پارلمان و دولت را به امید سیاست خیابانی، یک خطای راهبردی و پریسک می‌دانند.

اندیشه پویا: همه اصلاح‌طلبان این مرزبندی را خواهند داشت؟

جلایی‌پور: بله همه آن‌ها.

اندیشه پویا: پس چرا به تازگی آقای حجاریان از یک مدل شهرآشوبی و کشیده شدن آن به پایتخت صحبت کرده و در چنین زمینه‌ای از مدل سیاسی خود گفته بود؟

جلایی‌پور: اولاً حجاریان چنین چیزی نگفته. ثانیاً من از اجماع اصلاح‌طلبان حرف می‌زنم نه از حرف یک نفر.

اندیشه پویا: به هر حال مواضع ایشان آن قدر خلاف‌آمد عادت بود که برخی نیروهای اصلاح‌طلب به آن واکنش نشان دادند و اصلاً این کلیدواژه «فتنه 98» پس از همین سخنان آقای حجاریان کلید خورد.

جلایی‌پور: می‌توانیم در مورد موضع فرد فرد نیروها از آقای حجاریان تا زیدآبادی بحث کنیم. اما من تحلیلیم را از روند حرکت جمعی اصلاح‌طلبان می‌گویم نه موضع یک فرد. نمی‌توان موضع فردی افراد را موضع جریان اصلاحات دانست. من به وجه مشترک دیدگاه اجماعی اصلاح‌طلبان اشاره دارم.

اندیشه پویا: و به باور شما، وجه مشترک همه اصلاح‌طلبان مرزبندی با هر نوع عبور از سیاست انتخاباتی خواهد بود؟

جلایی‌پور: بله! سیاست انتخاباتی به عنوان یک راهبرد آگاهانه همچنان برای اصلاح‌طلبان مهم و راهبردی است، چون سیاست خیابانی معلوم نیست به کجا ختم می‌شود. ولی این به معنای این نیست که در خیابان اتفاقی نمی‌افتد. ضمناً اصلاح‌طلبان در چارچوب وضعیت فعلی، با همه توان بر جمهوری خواهی در همین نظام جمهوری اسلامی از طریق تلاش برای تقویت نهاد انتخابات، نهاد مجلس و پاسخگو کردن دولت تأکید خواهند

داشت. البته اصلاح‌طلبان آن قدر می‌فهمند که انتخابات تنها یک بعد از دموکراسی است و تقلیل انتخابات به یک بعد، کار خطایی است. ولی این‌جا مانند فرانسه و سوئیس نیست که احزاب و جامعه مدنی قوی باشند. در چنین وضعیتی با فعال بودن از طریق انتخابات می‌توان سایر ابعاد دموکراسی مانند رعایت حقوق اساسی مردم، گسترش نهادهای صنفی و مدنی، دستگاه قضایی مستقل و حکومت‌داری محدود را تقویت کرد.

اندیشه‌پویا: اصلاح‌طلبان با این دیدگاه‌ها همچنان بدنه رأی قابل توجهی دارند؟

جلایی‌پور: من می‌پذیرم که پایگاه مردمی اصلاح‌طلبان بعد از دی‌ماه ۱۳۹۶ مقداری ضعیف شده است — و این یک واقعیت در فعالیت سیاسی است. اما سیاست جمهوری خواهانه و انتخاباتی اصلاح‌طلبان در میان نیروهای اصلاح‌جو و نوگرای کشور، همچنان دارای پایگاه جدی است. من این را بر اساس علائم و نظرسنجی‌ها می‌گویم. به نظر من رویکرد در جریان انتخابات، در سال آینده دوباره فعال می‌شود، اما نه به صورت انتخابات نوددرصدی، بلکه در یک انتخابات بالای پنجاه درصدی. همچنین همسویی نانوشته‌ای بین اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و اصول‌گرایان میانه‌رو در شرایط فعلی وجود دارد که باید حفظ شود. در شرایط حاد، این همسویی به نیروهای دگراندیش هم گسترش پیدا می‌کند. معتقد هستم اگر کشور به خطر اساسی بیفتد، دوباره بابک احمدی و تاج‌زاده با هم کار مشترک می‌کنند و به میدان خواهند آمد.

اندیشه‌پویا: آقای زیدآبادی! نظر شما چیست؟ آیا با این تصویری که آقای جلایی‌پور از وضعیت نیروهای اصلاح‌طلب می‌دهند موافق‌اید؟

احمد زیدآبادی: همان‌طور که آقای جلایی‌پور هم تصدیق کرد، از هر جهت که نگاه می‌کنیم اوضاع کشور خوب نیست. اما بحث در این است که در خوب نبودن اوضاع امروز کشور، مجموعه نیروهای اصلاح‌طلب، چه نقشی ایفا کرده‌اند. کشف این نقش خیلی مهم است و بدون آن نمی‌توان بحث را پیش برد. آقای جلایی‌پور اذعان دارد که کشور به نقطه‌ای رسیده که از جهت‌هایی می‌تواند بسیار خطرناک باشد. سؤال این‌جاست که آیا این وضعیت، اجتناب‌ناپذیر بوده است؟ آیا اصلاح‌طلبان فعالیت صحیح خود را انجام داده‌اند و مجموعه شرایط داخلی و بیرونی و توازن قوا، طوری بوده که خواه‌ناخواه به این نقطه می‌رسیده است؟ یا نه، امکان این که شرایط به سمت دیگری هم برود، بوده و عملکرد اشتباه اصلاح‌طلبان در پدید آمدن این وضعیت بغرنج نقش مؤثری داشته است؟ تصورم این است که نقطه‌ای که به آن رسیده‌ایم، اجتناب‌ناپذیر نبوده است. اصلاح‌طلبی در ایران محکوم به شکست نبود. سلسله ضعف‌ها و عملکردهای غلط اصلاح‌طلبان بود که این جنبش را ناکام کرد. چرا؟ اول به این دلیل که اصلاح‌طلبان، هیچ‌وقت استراتژی روشنی نداشته‌اند. استراتژی به این معنا که تبیین کنند می‌خواهند از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر در طی گذر از تعدادی مرحله و در زمانی مشخص برسند. دوم این که اصلاح‌طلبان همیشه شرایط عینی جامعه را مصادره به مطلوب کرده‌اند. یعنی ذهن بازی نسبت به واقعیت‌های پیرامون خود نداشته‌اند. همیشه نگاه‌شان معطوف به این بوده است که کارنامه خود را موفق جلوه دهند و آینده‌ای از موفقیت خود را ترسیم کنند؛ بدون این که روی صحنه واقعیت، چنین اتفاقی افتاده باشد. سوم این که اصلاح‌طلبان هیچ تحلیل روشنی از روابط بین‌الملل، شیوه بازی قدرت‌ها در جهان و شیوه بازی واحدهای سیاسی در منطقه، نداشته و ندارند. اصلاح‌طلبان هیچ نظریه‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل که دیدگاه‌های روشنی

داشته باشد، ندارند. بسیار پیش آمده که با برخی اصلاح‌طلبان درباره روابط بین‌الملل بحث کرده‌ام و همیشه بیم اصلی‌شان این بوده که مبدا حکومت به معنی جناح اصول‌گرا، با امریکا بسازد و اصلاح‌طلبان زیر این توافق له شوند. حال آن که هیچ‌کدام از پایه‌های چنین تحلیلی درست نیست. در کنار این موارد، عمده اصلاح‌طلبان بالأخره به نوعی زندگی خاص عادت کرده‌اند. آن‌ها به حضور در قدرت و پیوند با حاکمیت که از آن طریق، یک سلسله رانت برای آن‌ها ایجاد می‌شود، عادت کرده‌اند. درست است که برخی تک‌چهره‌های اصلاح‌طلب حرف می‌زنند و فعالیت می‌کنند و گاه موضع رادیکال هم دارند اما اکثر اصلاح‌طلبان را مدیران دولتی تشکیل می‌دهند که حیات‌شان وابسته به سهیم بودن در قدرت است. یا باید مدیر دولتی باشند یا وکیل مجلس یا نماینده شورای شهر. خارج از این حدود، اصولاً توان زیست ندارند. بنابراین، مسئله اصلی‌شان این است که در قدرت حضور داشته باشند و برای‌شان مهم نیست این حضور به نفع کشور باشد و موجب اصلاح بشود یا خیر. عمده اطرافیان آقایان روحانی و خاتمی را همین طیف معتاد به قدرت تشکیل می‌دهند. بهترین روش برای حضور این طیف در قدرت، انتخابات است. انتخابات در ایران با نظارت استصوابی صورت می‌گیرد و در هر دور این نظارت شدیدتر می‌شود. بنابراین کلی از نیروهای مؤثر حذف می‌شوند. پس این نیروهای غیرمؤثر هستند که تحت نظارت استصوابی به مجلس می‌روند. اتفاقاً به نظرم گرایش جدی در بین اصلاح‌طلبان وجود دارد که علاقه‌مند است نظارت استصوابی برداشته نشود. چون اگر نظارت استصوابی برداشته شود و انتخابات آزاد باشد، خیلی از نیروهایی که امروز به نام اصلاح‌طلب می‌شناسیم در انتخابات رأی نخواهند داشت.

اندیشه پویا: یعنی نظارت استصوابی مطلوب طیفی از اصلاح‌طلبان است؟

زیدآبادی: دقیقاً! ممکن است به زبان نیاورند، ولی می‌بینید در بزنگاه‌ها، از حقوق محذوفین دفاعی نمی‌کنند و حتا آن را نادیده می‌گیرند. پس روشن است که خیلی هم از این وضعیت بدشان نمی‌آید. با توجه به صورت‌بندی‌ای که آقای جلالی‌پور ارائه کرد، معتقدم اصلاح‌طلبان در هر شرایطی در انتخابات مجلس سال آینده شرکت خواهند کرد. حتا اگر نظارت استصوابی به قدری قوی باشد که نیروهای درجه چهارم اصلاح‌طلب رد شوند، اصلاح‌طلبان به سراغ نیروهای درجه پنجم خواهند رفت. پنجم‌ها را بزنند، دنبال رده ششم می‌روند. اگر سفیدها را ردصلاحت کنند، دنبال خاکستری‌ها خواهند رفت. چون اساساً بقای بخشی از اصلاح‌طلبان در پیوند با حضور در نهاد قدرت گره خورده است. بخشی از اصلاح‌طلبان به حضور در قدرت معتاد شده‌اند.

اندیشه پویا: آقای جلالی‌پور! آقای زیدآبادی معتقد است از سیاست‌های صرفاً انتخاباتی اصلاح‌طلبان، منفعت اساسی را منفعت‌طلب‌ترین و غیراصلاح‌طلب‌ترین نیروها در این جریان می‌برند. فردای انتخابات هم سیاست انتخاباتی به پایان خود می‌رسد و همه به خانه‌ها برمی‌گردند و ماشین اصلاح‌طلبی در پارکینگ پارک می‌شود، تا انتخابات بعد. راهبردی و مهم بودن حضور در انتخابات برای اصلاح‌طلبان یک بحث است و این که اصلاح‌طلبی تبدیل به سیاست انتخاباتی بشود، حرفی دیگر. آیا فکر نمی‌کنید اصلاح‌طلبان از استراتژی تهی شده‌اند؟ مثلاً برخی غیرمستقیم از سیاست خیابانی صحبت

می‌کنند بدون این که الزامات و هزینه‌های آن را در نظر بگیرند، برخی چون شما به محافظه‌کارترین شکل از اصلاح طلبی دفاع می‌کنید، برخی هم صرفاً انتخاباتی به ماجرا نگاه می‌کنند؟

جلایی‌پور: ارزیابی‌های جناب زیدآبادی مطلق‌گرایانه است و دیدید که چند بار از «هیچ» استفاده کردند. مثلاً این که اصلاح‌طلبان هیچ‌وقت هدف و استراتژی نداشتند. بعد جوری ارزیابی می‌کنند که انگار فرایندهای اصلاحی مثل جدول زمانی مهندسان از نقطه «الف» به نقطه «ب» است! اصلاح‌طلبان در بیست سال گذشته یک هدف ایجابی و یک هدف سلبی داشته‌اند. هدف ایجابی‌شان تقویت سازوکارهای دموکراسی در ایران بوده و هدف سلبی‌شان هم مقابله با تضعیف جمهوریت نظام توسط تندروها بوده؛ و در جهت هر دو هدف هم حرکت کرده‌اند و یک‌قل دوقل بازی نکرده‌اند. جناب زیدآبادی حرف عجیبی می‌زنند و می‌گویند اصلاح‌طلبان طرفدار نظارت استصوابی‌اند! بیست سال است اصلاح‌طلبان مخالفت خود را با نظارت استصوابی اعلام کرده‌اند. ما به خاطر نقد نظارت استصوابی، از تحصن مجلس ششم تا امروز هزینه داده‌ایم. انصاف این است که جناب زیدآبادی بگویند اصلاح‌طلبان به رغم بیست سال تلاش دست‌آورد چشمگیر ندارند نه این که طرفدار نظارت استصوابی هستند. از این که بگذریم، چه کسی گفته فردای انتخابات اصلاح‌طلبی تمام شد و آن‌ها ماشین اصلاح‌طلبی را پارک کرده‌اند؟ اصلاح‌طلبان در انتخابات شورای شهر که نمادش شهر تهران بود، شرکت کردند و امروز شهر تهران، انسانی‌تر، با دود کم‌تر، با شفافیت بهتر اداره می‌شود. پس مردم کار خیلی خوبی کردند به اصلاح‌طلبان رأی دادند. همین لیست امید در مجلس که خیلی قوی و منسجم نیست، حضورش در شرایط فعلی، به نفع جامعه مدنی و فضای عمومی است. در این کشور یک مبارزه جدی سیاسی میان اصلاح‌طلبان و جریان مقابل وجود دارد. پارک کردن یعنی چه؟ من برداشت‌های مطلق و کلاً منفی را قبول ندارم. آقای زیدآبادی می‌گوید اصلاح‌طلبان «معتاد قدرت» شده‌اند. این حرف از سوی یک نیروی طرفدار دموکراسی چه معنا دارد؟ نیروهای مؤثر اصلاح‌طلب که اثر می‌گذارند و مثلاً لیست تهران را تعیین می‌کنند، سرمایه اخلاقی دارند؛ نه این که چون دولتی هستند اثر می‌گذارند. تاج‌زاده بیست سال است سمت ندارد. خاتمی چهارده سال است سمت ندارد. شما تصور کرده‌اید مشهدی‌قنبر دارای پست در حرکت اصلاحات مؤثر است؟ ثانیاً اصلاً فرض کنید بخشی از اصلاح‌طلبان به قدرت عادت کرده‌اند. مگر ایرادی دارد؟ اگر کسب قدرت از مجاری قانونی و با رأی مردم انجام بگیرد مگر اشکالی دارد؟ اصلاح‌طلبان مگر پست‌ها را در قدرت دزدیده‌اند؟ اصلاً اصلاح‌طلبی یعنی این که در جامعه مدنی کار کنید و بعد اگر رأی آوردید، بروید در دولت برای چهار سال خدمت کنید. این اعتیاد به قدرت است یا یک روال دموکراتیک؟ از این رو ارزیابی آقای زیدآبادی از عملکرد اصلاح‌طلبان مطلق‌نگر، منفی، ایدئالیزه و خطاست. اصلاح‌طلبان اشتباه داشته‌اند ولی اشتباه راهبردی نکرده‌اند.

زیدآبادی: خُب اگر ادعای جناب عالی مبنی بر موفق بودن اصلاح‌طلبان درست است پس چرا به این نقطه رسیده‌ایم؟

جلایی‌پور: مگر اصلاح‌طلبان، مسئول کشور بودند یا هستند؟ اداره کشور، چندین متغیر دارد. حتا مسئول کشور هیئت دولت نیست. ارکان حاکمیت و نیروهای جامعه مدنی و علل دیگر همه در به این جا رسیدن نقش دارند. دانه به دانه باید طرح مسئله کرد و بعد یکی‌یکی تبیین کرد. هیچ کدام از مسائل تک‌علتی نیست که اصلاح‌طلبان مسئول آن باشند. به نظر من اصلاح‌طلبان اشتباه راهبردی نداشته‌اند، ولی خطا داشته‌اند.

اندیشه پویا: این بحث از این جهت مهم است که اگر اصلاح طلبی به گونه‌ای عمل کند که شکست بخورد، فرصت اصلاح را از بین می‌برد.

جلایی پور: من اصلاً ایراد روش‌شناسی به این ارزیابی شما دارم. جوری دربارهٔ جامعهٔ ایران و اصلاحات صحبت نکنیم که انگار اصلاح طلبان فعال مایشاء صحنهٔ سیاست در ایران بودند و هستند و حالا از دی‌ماه ۱۳۹۶ معلوم شده که خراب کرده‌اند. بعد هم برای تأیید بحث‌شان می‌گویند مردم شعار دادند و گفتند «دیگه تمومه ماجرا». در همین دو سال ترامپ سر کار آمده و ائتلاف وحشی تنایاهو و ترامپ و بن‌سلمان شکل گرفته و ترامپ نامتعادل، یک‌طرفه از برجام خارج شده و تحریم را تشدید کرده؛ مشکلات مردم زیاد بود و زیادت‌تر شد. این به اصلاح طلبان چه ربط دارد؟ اتفاقاً اگر دولت اعتدال نبود وضع بدتر می‌شد. من حتا می‌گویم حاکمیت که نفت و پول و اسلحه دارد هم مسئول تام همهٔ مشکلات کشور نیست چه برسد به اصلاح طلبان که پول چایی دفاتر حزبی خود را هم ندارند. اگر حاکمیت، اصلاح طلبان، نیروهای مدنی و شهروندان یکدل شوند تازه بخشی از مشکلات پیچیدهٔ کشور حل خواهد شد. شصت میلیون چشم‌زاغ و موبور در امریکا به ترامپ مردم‌انگیز فاشیست رأی دادند، بعد این فرد یک‌طرفه از برجام خارج شده، مقصر آن اصلاح طلبان‌اند؟

زیدآبادی: پس نظرتان این است که اصلاح طلبان درست عمل کرده‌اند؟

جلایی پور: گفتم که به لحاظ راهبردی درست عمل کرده‌اند. ولی همهٔ نیروها و انسان‌ها اشتباه هم می‌کنند.

زیدآبادی: یعنی وضعیتی که الان به آن رسیده‌ایم اجتناب‌ناپذیر بوده است؟

جلایی پور: چرا با واژگان فلسفی و از ضروریات و از اجتناب‌ناپذیری یا پذیری صحبت می‌کنید. تحلیلی و روشن بحث کنید. مشخص کنید در کدام حوزه پیشرفت بوده و کجا نبوده و به چه عللی؟ مثلاً در مورد سیاست خارجی یا سیاست داخلی یا خود جبههٔ اصلاحات. من کلی و مطلق نمی‌توانم بحث کنم.

زیدآبادی: اما خود شما در ابتدای بحث گفتید که وضع کشور خوب نیست.

جلایی پور: بله، اما چندین متغیر مؤثر بر وضعیت را مشخصاً بر شمردم.

زیدآبادی: شما در تک‌تک متغیرها گفتید که نگرانی وجود دارد.

جلایی پور: بله گفتم، اما این که خرابی وضعیت را به این نسبت دهید که اصلاح طلبان معتاد قدرت شده‌اند، حرف بی‌پایه‌ای است.

زیدآبادی: داستان این است که الان با وضعیت موجود روبه‌رو هستیم. آیا این قابل دفاع است یا نیست؟ خودتان می‌گویید قابل دفاع نیست. اگر قابل دفاع نیست دیگر از کدام موفقیت حرف می‌زنید؟

جلایی‌پور: خیال‌تان را راحت کنم، اصلاً جوامع، از جمله جامعه ایران، همزمان در معرض امواج مدرنیته اول و امواج مدرنیته دوم هستند و وضع‌شان قابل دفاع نیست. همه جا مشکل دارند. ناامیدترین مردم جهان، ژاپنی‌ها هستند.

زیدآبادی: این چه ربطی به وضعیت ما دارد؟

جلایی‌پور: ربط دارد. شما نباید مشکلات کنونی یک جامعه شبکه‌ای را — چهل میلیون شهروند که روزی شش ساعت سرشان در موبایل است — سرشکن کنید روی بی‌عرضگی اصلاح‌طلبان. این تحلیل سطحی و سیاست‌زده است.

زیدآبادی: الآن مشکل ما در ایران از نوع مشکل مدرنیته دوم است؟

جلایی‌پور: بله! مگر جامعه اطلاعاتی و امواج مدرنیته دوم شاخ و دم دارد. یک حرف دروغ در فضای مجازی تکرار می‌شود، بعد تبدیل به موج واقعی می‌شود و بعد روی نرخ اثر می‌گذارد، به گسترش ناامیدی مردم از آینده دامن می‌زند. البته همین موبایل‌ها پیامد مثبت هم دارد. سانسور را می‌شکند و انتخابات را پررونق می‌کند و سی نفر را یک ضرب به شورای شهر می‌فرستد.

زیدآبادی: دقیق صحبت کنیم. منظورتان این است که این میزان بیکاری، تورم افسارگسیخته، کساد و عدم رونق، گرانی روزافزون، ته کشیدن منابع آب، آسیب‌دیدگی بی‌سابقه محیط‌زیست، نابودی سرمایه اجتماعی، سیل مهاجرت جوانان تحصیل کرده، نومیدی و افسردگی که تقریباً همگی روی آن اجماع دارند، از نوع مشکل مدرنیته دوم و مثلاً مشکلات کشور ژاپن است؟

جلایی‌پور: خُب از اقتصاددانان باید پرسید چرا به این‌جا رسیدیم. این‌که چرا اقتصاد تولیدی نیست و رانتی است و کارا نیست، البته یکی از عللش دوطرفه بودن نظام تصمیم‌گیری است. با این همه کارنامه همین سیستم دوطرفه در ارتباط با عدالت اجتماعی و کنترل فقر خوب بوده. شما تحقیق دکتر ذوالنور را بخوانید. از لحاظ بهداشت و درمان و آموزش و سینما و فضای آنلاین جزو 25 کشور جهان هستیم. اما فضای ارتباطاتی و آنلاینی جوری است که این روند دیده نمی‌شود. حتا وضع هوای تهران بهتر شده ولی در فضای آنلاین انتظار این است که پست‌های سیاه گذاشته شود.

زیدآبادی: پس حرف شما از آن نگرانی‌های اولیه به این تقلیل پیدا کرد که اوضاع بد نیست. تلقی ما از اوضاع بد است.

جلایی‌پور: نه! گفتم باید روشن بحث کرد. اتفاقاً من در ابتدای بحثم در یک چارچوب، چند متغیر را گفتم. اوضاع در افق یک‌ساله خوب نیست و حتا گفتم جریان اصلاحات روزنه امید است. حتا امیدواریم جریان مقابل در سال پیش‌رو مشوق اصلاحات باشد و سال 1398 برای ایران مثل 1375 باشد.

زیدآبادی: متوجه منظورتان نشدم. یعنی می‌فرمایید افق یک‌ساله خوب نیست ولی بعد خوب می‌شود؛ بدان امید که طرف مقابل‌تان دست به اصلاحات بزنند؟ در این میان روزنه امید اصلاح‌طلبان کجاست؟

جلایی پور: شما می‌گویید اصلاح‌طلبان مسئول خرابی وضع کشور هستند و این حرف غلط است. تصمیمات اصلاح‌طلبان در دو دهه اخیر در چند بزنگاه کشور را از بحران عبور داده است. مثل بحران بوش پسر و ان‌شاءالله با کمک همه بتوانیم از پیچ تحریم ترامپ فاشیست هم عبور کنیم.

اندیشه پویا: شاید بهتر باشد از زاویه‌ای دیگر وارد شویم. امروز مطالباتی در جامعه مطرح می‌شود، مثل مطالبات کارگران هفت‌تپه. اصلاح‌طلبان در برابر این مطالبات می‌توانند سه نوع برخورد داشته باشند. یا سطح این مطالبات را بالا ببرند یا این مطالبات را نادیده بگیرند یا بگویند برای این مطالبات، راه‌حل مشخص دارند. اگر شب انتخابات به طور کلی بگوییم راه‌حل مشکلات در این برنامه در جیب ماست، اما این ادعا مابه‌ازای عملی و قبلی، برای اقشار مختلف نداشته باشد، آن برنامه در حد یک بیانیه دیده خواهد شد. آقای جلایی پور! شما از برنامه محوری در اصلاحات می‌گویید، اما آیا اصلاً برنامه‌ای وجود دارد؟ آیا اصلاح‌طلبان توانسته‌اند در موضوعات مختلف نقش میانجی را ایفا کنند؟ یک گروه سیاسی باید برای مطالبات انباشته موجود، پلتفرم عملیاتی داشته باشد، نه این که شب انتخابات بگوید من برنامه محورم. این جاست که می‌پرسیم اصلاح‌طلبان چرا تنها به سیاست انتخاباتی محدود شده‌اند؟ چرا این برنامه شب انتخابات باید منتشر شود؟ هر اتفاقی که رخ دهد، از زلزله کرمانشاه تا هفت‌تپه و... می‌تواند یک فرصت حضور راهبردی برای اصلاح‌طلبان باشد، اما چرا فقط انتخابات برای اصلاح‌طلبان راهبردی است؟

جلایی پور: فراموش نکنید که جریان اصلاحات یک حرکت جبهه‌ای است نه حزبی. اما اتفاقاً نکته خوبی را گفتید. در همین مصداق هفت‌تپه، تفاوت تحلیل من با شما آشکار می‌شود. ما نمی‌توانیم در مسئله هفت‌تپه کیلویی بحث کنیم. مسئله هفت‌تپه تنها مطالبه کارگری نیست. راهکار مطالبات کارگری اصولاً سندیکالیسم و مذاکره نمایندگان کارگران با دولت است. دیدید که دولت در مذاکره با نمایندگان کامیونداران موفق عمل کرد. اما موضوع هفت‌تپه علاوه بر مسئله کارگری، مسئله قومی هم هست، از آن سو بی‌بی‌سی و براندازان نیز به آن دامن می‌زنند. برای همین می‌گویم نباید کیلویی بحث کرد.

اندیشه پویا: چرا مدام از واژه‌هایی مثل کیلویی و مانند آن در مقابل هر نقد و پرسشی استفاده می‌کنید. فکر می‌کنید افق اصلاح‌طلبی نسبت به هر پرسش و سؤالی باید چنین بسته باشد؟

جلایی پور: بسته چه معنا دارد؟ من الآن دارم با شما بحث می‌کنم، فقط می‌گویم سطحی و کیلویی بحث نکنیم. من یک ماه روی هفت‌تپه بررسی کردم و داده جمع می‌کردم. البته آن را نوشتم چون نمی‌توان آن را نوشت. قضیه هفت‌تپه این است که عده‌ای از کارگران آن‌جا می‌گویند غیربومی‌ها باید بروند. چون در قواعد آن‌جا، در زمین‌های آن‌جا اشتراک دارند. لذا این‌ها می‌گویند اگر این کارگران بمانند، زمین‌های این‌جا را می‌گیرند. از این جهت، زیر یک مبارزه کارگری یک حرکت قومی است. و عربستان هم با اذنباش دیدید در اهواز در اول مهر چه جنایتی کرد. ما باید با این قضیه

مسئولانه برخورد کنیم، میهن دوستی و ایران دوستی اصلاح طلبان مسئولانه است. می گوئید اصلاح طلبان صرفاً در انتخابات شرکت کرده اند؛ گفتیم اصلاح طلبان از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۶ بحثشان فقط بقا بوده است. ما باید از فضای پیشین بیرون می آمدیم. به نظر می رسد سال آینده ما می توانیم فعال تر برخورد کنیم و برنامه محور ظاهر شویم و بگوئیم که در چه شرایطی از لیست مجلس حمایت می کنیم. ما قبلاً این کار را نمی توانستیم بکنیم. ولی الآن شرایط عوض شده است. یعنی ما از شرایط مبارزه برای بقا، مقداری بیرون آمده ایم.

زیدآبادی: آقای جلالی پور! داعیه اصلاح طلبی از همان ابتدا، دموکراتیزه کردن کشور بوده است. آیا چنین بوده یا نبوده؟

جلالی پور: بله !

زیدآبادی: چقدر به این داعیه نزدیک شده ایم؟

جلالی پور: این دموکراتیزه شدن که شما می گوئید، ستاره ای در پیش است که باید به سمت آن حرکت کنیم. گفتیم این فرایند یک فرایند خطی و مهندسی در پروژه خانه سازی مهندسان نیست. از لحاظ ایجابی جامعه سیاسی ایران به طرف دموکراسی حرکت کرده و از لحاظ سلبی تندروها نتوانسته اند صفت جمهوری را از جمهوری اسلامی حذف کنند.

زیدآبادی: یعنی مثلاً در قرن بیست و هشتم به این ستاره می رسیم؟

جلالی پور: آقای زیدآبادی ما در ساحت علوم انسانی و علم سیاست حرف می زنیم. این را از مهندسان بخواهید که بگویند یک ساختمان را در چند ماه خواهند ساخت. به مهندسان بگوئید روز دموکراتیزه شدن را محاسبه کنند. ما در این بحث با فرایندهای انسانی روبه رو هستیم.

زیدآبادی: هنر نیروی سیاسی این نیست که بگوید در ده قرن آینده تحول مطلوبش محقق می شود. من و شما چه می دانیم در ده قرن آتی چه خواهد شد؟ هر نسل، طایفه و گروهی باید برای دوره حیات خودش با چشم انداز روشن و قابل پیش بینی، برنامه بریزد و گرنه حوالت تاریخی دادن که نشد کار سیاسی. ما نسبت به وضع چند ماه آینده مان در شرایط موجود در بیم و هراسیم و شما به رسیدن به دموکراسی در چند قرن آینده دل خوش دارید؟

جلالی پور: قرن بیست و هشتم چیست؟ در بیست سال گذشته، کارنامه اصلاح طلبان قابل دفاع بوده. انتخابات به یک کارزار جدی تبدیل شده؛ محافل سیاسی به جبهه بندی سیاسی تبدیل شده، فرهنگ سیاسی دموکراتیک تر شده، رسانه ها مدنی شده اند و شبکه های اجتماعی تقویت شده و در همین دولت روحانی این اتفاقات افتاده، برجام تصویب شده و دست ایران از زیر ساتور شورای امنیت بیرون آمده. جناب زیدآبادی این اتفاقها افتاده. ده قرن دیگر چیست؟ جامعه ایرانی یکی از جوامع پویای خاورمیانه است.

زیدآبادی: این خوبی که می فرمایید الآن در کجاست؟ وضعیت اقتصادمان که مشخص است...

جلایی‌پور: گفتم اصلاح‌طلبان مسئول همهٔ امور کشور نبوده‌اند.

زیدآبادی: پس اصلاح‌طلبان در بیست سال اخیر چه کاره بوده‌اند؟

جلایی‌پور: یک نیروی سیاسی دموکراتیک و مسئول در کنار نیروهای سیاسی دیگر.

زیدآبادی: اصلاح‌طلبان مدعی بودند که با گرفتن نهادهای انتخابی می‌توانیم اصلاحات ماندگار و ساختاری ایجاد کنیم. اما کجاست این تحول؟ این که نمی‌شود هرگاه بحث مشکلات پیش می‌آید بگویید اصلاح‌طلبان همه‌کاره نبوده‌اند و وقتی در پی رأی هستید بگویید ما چنین و چنان خواهیم کرد.

جلایی‌پور: این هدف ایجابی اصلاحات بود. هدف سلبی اصلاحات این بود که پس از یازدهم سپتامبر در ۲۰۰۱ و پس از روی کار آمدن ترامپ، در کنار نیروهای دیگر، نگذاشتند کشور به هم بخورد و لنگر ثبات کشور بودند.

زیدآبادی: چه کسی می‌گوید اگر شما نبودید کشور به هم می‌خورد؟ مگر در دورهٔ هاشمی که بحثی از اصلاح‌طلبی نبود کشور به هم خورد؟ ریاست‌جمهوری، مجلس و شورای شهر را در یک دوره در دست گرفتید و ترکیب این‌ها نتوانست کمک کند اصلاحات مورد نظر را دنبال و تحکیم کنید.

جلایی‌پور: در بالا گفتم خیلی اتفاقات رخ داده. توسعهٔ سیاسی و فرهنگ و تجربهٔ سیاسی مردم رشد پیدا کرده و مردم فهمیده‌اند مشکلات چیست و منتظر انقلاب نیستند. این یعنی جلو می‌رویم.

زیدآبادی: برای بیان این‌ها و کمک به مردم که این چیزها را بفهمند، لازم نبود ریاست‌جمهوری را به دست آورید. وانگهی اگر فرهنگ سیاسی بالا رفت، چرا احمدی‌نژاد آمد؟ شما خودتان احمدی‌نژاد را سمبول همهٔ توسعه‌نایافتگی‌ها می‌دانید. بعد می‌گویید حضور اصلاح‌طلبان در قدرت باعث ارتقای فرهنگ سیاسی شد؟ در شرایطی که دور دوم هاشمی رفسنجانی تمام شده بود و مردم تمایل زیادی به تغییر یا اصلاح داشتند با رأی بیست‌میلیونی دولت را دست گرفتید اما با چه وضعیتی خارج شدید؟ با وضعیتی که احمدی‌نژاد به عنوان یک نیروی حاشیه‌ای پوپولیست، از هاشمی رفسنجانی و معین، رأی بیش‌تری آورد. پس به توسعهٔ فرهنگ سیاسی نیز کمکی نشد.

جلایی‌پور: بخشی از اصلاح‌طلبان به صورت حزبی در سال ۱۳۸۴ نشستند و جمع‌بندی کردند که دکتر معین کسی است که موضوع حقوق بشر و دموکراسی برایش جدی است، پس بهتر است از ایشان دفاع کنیم. آقای معین کاندیدای ما شد ولی مردم رأی ندادند. این مسخره کردن ندارد. این یک حرکت دموکراتیک حزبی بود ولی بعد حزب مشارکت متوجه شد حضور با چهار کاندیدا در انتخابات از سوی اصلاح‌طلبان یک خطا بود. لذا اصلاح‌طلبان درس گرفتند و در انتخابات ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ ائتلافی و با یک لیست آمدند. تازه من تعجب می‌کنم نیروهای ملی - مذهبی و دوستان جناب زیدآبادی یکی از حامیان جدی معین بودند.

زیدآبادی: من مسخره نکردم، شما گفتید که فرهنگ سیاسی را بالا بردید، من پرسیدم پس چرا احمدی‌نژاد رأی آورد؟

جلایی‌پور: بله! واقعاً فرهنگ سیاسی را بالا بردیم. در بیست سال گذشته جامعه ایران وارد مرحله تحکیم دموکراسی نشده ولی جامعه سیاسی ایران «پلورال‌تر» شده و واقعاً ما یک «دموکراسی اجتماعی» داریم و برای دموکراسی تلاش می‌شود. یکی از علل این وضعیت حرکت اصلاحی اصلاح‌طلبان بوده و این که اصلاح‌طلبان نگذاشتند با راهبردهای انقلابی یا انقلاب آرامی کشور وارد مرحله بی‌دولتی شود.

زیدآبادی: اگر فرهنگ مردم را بالا بردید، چرا معین مقابل احمدی‌نژاد رأی نیاورد؟

جلایی‌پور: شما همچنان اسیر نگاه تک‌علتی خود هستید. پیروزی احمدی‌نژاد چند علت داشت، یکی از آن‌ها عدم ائتلاف اصلاح‌طلبان بود. پس از جمهوری تمام‌دموکراتیک و ایماز هیتلر آمد و خطر فاشیسم جهان را گرفت. پس از کلینتون، بوش پسر آمد و جنگ خاورمیانه را گرفت و پس از او با ما، ترامپ فاشیست آمد. این رخدادها چندعلتی است. نتیجه نگیرید که نیروی اصلاحات در بیست سال گذشته شکست خورده. اگر اصلاح‌طلبان نبودند 1392 درست نمی‌شد. تجاری را که اصلاح‌طلبان و مردم طی این بیست سال اندوخته‌اند نادیده می‌گیرید. هم‌گرایی میان اصلاح‌طلبان و اعتدالیون و میانه‌روها که مهم‌ترین سد در برابر تندروی است، از طریق تجربه‌اندوزی اصلاح‌طلبان به وجود آمد. اصلاح‌طلبان سال 1384 با چهار کاندیدا آمدند، اما درس گرفتند و امروز ائتلافی عمل می‌کنند. وضعیت امروز از منظر بلوغ سیاسی نیروهای اصلاح‌طلب عالی است. تاریخ جبهه ملی ایران را بخوانید. درون آن‌ها همیشه اختلاف بود و حتی یک نفر نتوانست خودش را با بقیه هماهنگ سازد. اما امروز اصلاح‌طلبان منسجم و ائتلافی عمل می‌کنند.

زیدآبادی: بله! شما ظاهراً به گسست روندهای اجتماعی و سیاسی باور دارید. اما در عالم واقع گسستی نیست و به قول خودتان چیزها از توی لپ‌لپ در نمی‌آید. همه آن‌هایی را که مثال زدید نتیجه طبیعی عملکرد رئیس‌جمهور پیش از خود بوده‌اند! از کارتر، ریگان بیرون آمد و از او با ما، ترامپ و از خاتمی هم احمدی‌نژاد و از احمدی‌نژاد هم روحانی. تحلیل سیاست یعنی همین که چطور یک رئیس‌جمهور بستری برای ظهور جانشین خود از یک طیف خاص ایجاد می‌کند. حرف من این است که چرا نیروهای اصلاح‌طلب حاضر نیستند مشکل را ریشه‌یابی کنند؟ چرا همیشه بر موضع انکارید؟ بپذیرید آن‌طور که انتظار داشتید اوضاع پیش نرفت و دنبال علت‌یابی‌اش باشید. اصلاً هفتاد درصد از علت ناکامی‌تان به دلیل کارشکنی طرف مقابل بوده است. اما اگر این کارشکنی را پیش‌بینی نمی‌کردید از ضعف شماست. در ثانی، بپذیرید که اندازه سی درصد در ناکامی اصلاحات مقصر بوده‌اید. زیرا مشارکت در قدرت و انتخابات محوری راه درستی برای اصلاح‌طلبی در ایران نیست.

اندیشه‌پویا: آقای زیدآبادی! به نظر خود شما روش و راهکار درست برای اصلاح‌طلبی در ایران اگر مشارکت در انتخابات و قدرت نیست، پس چیست؟ باید در سال آینده چه رفتار سیاسی‌ای را در پیش گرفت؟ یعنی اصلاح‌طلبی باید تبدیل به سیاست خیابانی شود؟

زیدآبادی: نه! من این را نمی‌گویم. الان نیروی اصلاح طلب اعتبار خود را از دست داده و اساساً امکان مدیریت خیابان را ندارد و نمی‌تواند وارد شود. اگر وارد شود، در زمین اپوزیسیون دیگری بازی می‌کند که بیرون از کشور است و رسانه‌ها را هم در دست دارد. اصلاح طلبان فرصتی داشتند که از دست رفته. اما اگر از ابتدا، اصلاح طلبی بی‌موقع و عجولانه وارد قدرت سیاسی نمی‌شد و دولت را نمی‌گرفت این وضع پیش نمی‌آمد.

اندیشه پویا: روشن تر بگویید امروز و در یک سال آتی چه باید کرد؟

زیدآبادی: به جای این که مرتب از چه باید کرد سخن بگوییم، بگوییم که چه کار می‌توان کرد. گفتم که الان بسیاری از فرصت‌ها از دست رفته. اول، از دست رفتن فرصت‌ها را به رسمیت بشناسیم. دوم، بپذیریم اصلاح طلبی در این شرایط نمی‌تواند معجزه کند. زیرا خودش تحت تأثیر عواملی است که خارج از کنترل او هستند. ابتدا شرایط را درست تبیین کنیم و ببینیم چه کاری از دست اصلاح طلبان برمی‌آید و چه کاری ممکن است برای شان خطرناک باشد. آیا می‌تواند در آینده نقش بازی کند یا نه؟ بپذیریم که قدرت، تشکیلات و پایگاه اجتماعی اصلاحات فرسایش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است.

جلایی پور: ابتدای صحبت گفتم اصلاح طلبان در انتخابات سال آینده می‌توانند نقش فعال داشته باشند و از حرف‌های آقای زیدآبادی متعجبم. اگر شما یک مهندس بودید، تعجب نمی‌کردم. شما عالم علم سیاست هستید و به مجموعه پیچیده دولت و جامعه توجه دارید. روان‌شناس یا اقتصاددان نیستید. متأسفانه جان کلام شما شاید ناخواسته به این جا برمی‌گردد که چون اصلاح طلبان نتوانستند رژیم را عوض کنند بهتر است ساکت شوند. در صورتی که اصلاح طلبی یعنی فعالیت مسئولانه سیاسی در درون رژیم مستقر و کوشش در جهت بهبود امور اصلاح طلبی.

زیدآبادی: شما چرا دموکراتیزه شدن را به معنای تغییر حکومت می‌دانید؟ اصلاً بحث تغییر رژیم نیست. شما می‌خواهید حکومت را اصلاح کنید. دموکراتیزه کردن، معنی روشنی دارد. یکی اش این است که امکان جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت فراهم شود. شما به نظرم عمداً بحث دموکراتیزه شدن را به تغییر رژیم تبدیل می‌کنید، تا مانع بحث شوید.

جلایی پور: من فرایند بیست‌ساله اصلاحات را فرایند دموکراتیزه شدن ایران می‌دانم. ما بیست سال است که در گذار به دموکراسی هستیم. اخیراً کتابی در این خصوص نوشته‌ام که به زودی منتشر می‌شود. چهل سال است ملت و دولت ایران مشغول تلاش برای گذار هستند.

زیدآبادی: پس چرا به این نقطه رسیدیم؟

جلایی پور: چرا امریکا با عظیم‌ترین منابع، بعد از دویست سال به ترامپ مردم‌انگیز و فاشیست رسیده؟ ما قبل از انقلاب در یک وضعیت استبدادی بودیم اما امروز نیمه‌دموکراتیک هستیم و یک کشور تأثیرگذار در منطقه‌ایم.

زیدآبادی: مسئله این است که اعتبار امروزین اصلاح طلبان زیر ده درصد آمده است. محبوبیت آقای خاتمی هم کم شده.

جلایی‌پور: شما محقق و تحلیلگر هستید. همه نیروهای مؤثر جامعه، امروز ضعف پایگاه دارند اما این طور نیست که پایگاه‌شان را باخته باشند؛ بالأخره پایگاه دارند. پایگاه آن‌ها را در انتخابات 1396 دیدید و در 1398 هم خواهد دید. اصلاح‌طلبان همین الآن و در آخرین نظرسنجی‌ها، دوازده درصد پایگاه دارند. اگر سال دیگر در انتخابات مجلس، اصلاح‌طلبان با همین شرایطی که گفتیم و گفتید بر انتخابات اثر گذاشتند؛ آن وقت باز چه می‌گویید؟ باز می‌گویید بی‌اعتبارند؟ یا خواهید گفت این‌ها «معتاد قدرت» شده‌اند. من مطمئنم اگر اصلاح‌طلبان بر انتخابات اثر بگذارند شما به جای این که بپذیرید هنوز بین مردم اعتبار دارند؛ خواهید گفت این‌ها معتاد قدرت‌اند!

زیدآبادی: میزان اعتبار اجتماعی اصلاح‌طلبان، تحت تأثیر شرایط است. یک زمان بالا بود، یک زمان هم مثل آخر دوره اصلاحات حتماً نتوانستند یک نفر را که آقای تاج‌زاده بود به شورای شهر بفرستند.

جلایی‌پور: اصلاح‌طلبان سال 1394 سی نفر را به مجلس و سال 1396 سی نفر را به شورا فرستادند و «شهرفروشی» را تعطیل و شفاف‌سازی نهادی را پایه‌ریزی کردند. اصلاحات همین‌طور خورده‌خورده ساخته می‌شود.

زیدآبادی: حرفم این است که اعتبار اجتماعی شما بالا و پایین می‌شود و فعلاً به طور اساسی افول کرده است.

جلایی‌پور: بله! خُب عرصه سیاست و آن هم عرصه سیاست در ایران تلاطم دارد، بالا و پایین دارد و معنای سیاست همین است. اما از سخنان شما بیش‌تر تمسخر اصلاحات و بی‌عملی درمی‌آید. اگر به سؤالی که از شما پرسیده شد برگردیم، شما بفرمایید اصلاح‌طلبان چه باید بکنند؟

زیدآبادی: به نظرم شما نمی‌توانید از گذشته و حال خود دفاع کنید، مرتب به آینده حواله می‌دهید. گذشته شما دستاوردی ندارد. من اصلاح‌طلبان را تمسخر نکردم. با بسیاری از چهره‌های آن‌ها دوستم و بسیاری از آن‌ها نیز در تقدم از جریان اصلاحات با من هم‌نظرند. من می‌گویم آن‌ها سیاست را در حضور در دستگاه دولت خلاصه کرده‌اند و لازم است نگاه‌شان را تغییر دهند.

جلایی‌پور: جوری صحبت می‌کنید انگار ما مشغول خرید از لاله‌زار هستیم؛ خیر ما مشغول فعالیت سیاسی هستیم. نگاه منفی‌بین را باید کنار گذاشت.

اندیشه‌پویا: آقای جلایی‌پور معتقدند باید واقع‌گرا بود و بنا بر واقعیت‌های سیاست در ایران کنش سیاسی اصلاح‌طلبان را داوری کرد. درست است که باید واقع‌گرا باشیم، اما گاه به نظر می‌رسد واقع‌گرایی تبدیل به تقدیس وضع موجود و دفاع از اشتباهات بزرگ دولت روحانی شده است.

جلایی‌پور: چه کسی گفته ما وضع موجود را تقدیس می‌کنیم. اگر ما تقدیس‌گر وضع موجود بودیم چرا این قدر گرفتاری برای‌مان ایجاد می‌شود. قبول دارم که محبوبیت اصلاح‌طلبان افت کرده، اما بعد از دی‌ماه 1396 همه نیروها افت دارند. خبر خوبی به شما بدهم. در نظرسنجی‌ها، براندازها و من‌وتو و بی‌بی‌سی هم افول کرده‌اند. جامعه از همه طلبکار است و مردم مشکل دارند و خُب حق هم دارند. اما این را که مردم حامل شایعه و سیاه‌نمایی بشوند باید نقد کرد. شخصیت آزادی‌خواهی که عیب مردم را نقد می‌کرد بازرگان بود.

اندیشه پویا: گاه اشاره می‌شود که مشکل اصلاح‌طلبان فقدان گفتمان پیش‌برنده در میان آن‌هاست. نظرتان در این باره چیست؟ به نظر می‌رسد بر خلاف این نقد، اصلاح‌طلبان، مشکل گفتمان ندارند؛ مشکل آن‌ها فقدان نیروی سیاسی تربیت‌شده و جوان است. مشکل آن‌ها این است که رابطه ارگانیک با بدنه اجتماعی ندارند و به مطالبات بخش‌های مختلف جامعه پیوند نخورده‌اند. برای همین هم قدرت کنشگری خود را از دست داده‌اند. پیر و مسن هم شده‌اند و اگر گاه به زور و زحمت، چهره‌های جوانی هم به شورای عالی اصلاحات می‌روند عموماً ناشناس و سفارشی شده هستند و نمی‌توانند پلی میان مطالبات جامعه و اصلاح‌طلبان بزنند.

جلایی‌پور: همین که برخی جوان‌های هزینه‌داده به شورای عالی اصلاحات رفته‌اند یک دستاورد بوده است.

اندیشه پویا: شما جریانی دارید که افول مرجعیت اجتماعی پیدا کرده حال آن که ظرفیت مرجعیت اجتماعی داشته‌به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان پیش از آن که بتوانند در عرصه حکومتی به اصلاحی دست بزنند، نیاز به یک انقلاب درون‌جریانی دارند. چیزی که مکانیسم فعلی داخلی‌شان را تغییر دهد و خون تازه‌ای در رگ‌های پیر این جریان به راه اندازد.

جلایی‌پور: می‌دانید اشکال بحث‌تان چیست؟ شما باید جریان واقعی جبهه‌ای اصلاحات را تحلیل کنید. نمی‌شود به جبهه سیال و متنوع اصلاح‌طلبان گفت این‌جوری عمل کنید یا نکنید بلکه کل جریان را با تنوعش به سوی یک حرکت هماهنگ مثل انتخابات معنادار بکشید. مرحوم ابراهیم یزدی حرف پخته‌ای می‌زد. می‌گفت در صحنه جهانی باید موج‌ها را بشناسید و از آن‌ها برای منافع ملی استفاده کنید. در داخل هم همین حرف درست است. باید گرایش‌های واقعی و فعال را در جبهه اصلاحات ببینید و هماهنگ حرکت کنید. الکی توصیه به انقلاب در داخل اصلاحات نکنید. کسی منتظر توصیه نیست. گفتم الآن دو تا سه تا جریان در جبهه اصلاحات است که این‌ها باید همسو حرکت کنند و سال آینده یک انتخابات معنادارتر درست کنند.

زیدآبادی: انقلاب درونی در اصلاحات جدی نیست و هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، زیرا اصلاحات فاقد تشکیلات و اعتبار لازم شده است.

جلایی‌پور: به شما قول می‌دهم سال دیگر با همین مشروعیت و تشکیلات بر انتخابات مجلس تأثیر جدی خواهیم گذاشت و شما نیز اصلاح‌طلبان را معتاد به قدرت خواهید نامید. جالب است که این چه اعتیادی به قدرت است که مثلاً من اصلاح‌طلب سی سال است که یک چهارپایه هم در قدرت نداشته‌ام.

زیدآبادی: حرف من این است که سرنوشت شما از کنترل خودتان خارج شده. چه بسا عواملی خارج از اراده و توان شما تأثیراتی بر سرنوشت‌تان بگذارد. اما با روند فعلی روشن است که سال آینده هم گشایشی برای‌تان روی نمی‌دهد. وقتی بحث اعتیاد به قدرت مطرح می‌شود هم منظور

تک‌تک اصلاح‌طلبان نیست بلکه جریان قدرتمندی از آنهاست که توان حیات سیاسی در خارج از حوزه قدرت را ندارد و به هر صورتی و در هر حالی می‌خواهد راهی به درون قدرت بیابد تا این‌که دغدغه حل مشکلات بنیادی کشور را داشته باشد.

جلایی‌پور: در ابتدای بحثم توضیح دادم که ما به جای این‌که از همین امروز برای جریان انتخابات نسخه بپیچیم، باید تا روز انتخابات به شکل فعال با آن روبه‌رو شویم. اما امروز می‌بینیم که جریان تحول‌طلب مرتب برای اصلاح‌طلبان نسخه عدم شرکت می‌پیچد.

زیدآبادی: منظور شما از تحول‌طلبان چه کسانی هستند؟

جلایی‌پور: کسانی که معتقد هستند اصلاحات به بن‌بست رسیده است.

زیدآبادی: متوجه تعریف شما شدم، اگر ممکن است نام ببرید که چه افرادی جزو چنین جریانی هستند؟

جلایی‌پور: اسم لازم نیست. تیپ افرادی مثل جناب علی‌جان‌ی از نیروهای ملی - مذهبی در خارج از کشور، که معتقد به بن‌بست هستند.

زیدآبادی: من در تمام صحبتیم از تحول‌طلبی اسم بردم؟ ملی - مذهبی‌ها و نهضت‌آزادی‌ها هم که عموماً با شما همراه‌اند. این جریان تحول‌طلب که می‌گویید، کجاست و تشکیلاتش کجاست؟

جلایی‌پور: اگر ملی - مذهبی‌ها با اصلاحات همراه هستند، نشان‌دهنده پختگی و واقع‌گرا بودن آنهاست. روی زمین حرف می‌زنند و متوجه هستند چه خبر است و کشور در چه وضعی است. اما ما نیروهای تحول‌طلبی داریم که در فضای مجازی هم حضور دارند و فضایی حرف می‌زنند.

زیدآبادی: ایراد من به طیف‌بندی شما و اسم‌گذاری بر مخالفان فکری‌تان است. این‌ها که گفتید، افراد هستند. جریان باید حداقلی از تشکیلات و ارتباطات داشته باشد.

جلایی‌پور: چرا ندارند؟ شبکه اجتماعی دارند، اما سازمان‌شان ضعیف است. این‌ها دارند برای اصلاح‌طلبان نسخه می‌پیچند. اما سیاست اصلاح‌طلبان حضور فعال و نه منفعل در عرصه انتخابات است.

زیدآبادی: مدتی قبل در یک جلسه در پاسخ به آقای شکوری‌راد که اوضاع را خوب می‌دید، گفتم به قول مرحوم شریعتی، اگر آدم اراده کند، می‌تواند در لای گوشت‌کوب چوبی که شب با آن گوشت کوبیده‌اند و مقداری گوشت به آن مانده، هم هزار زیبایی ببیند. مشکل شما این است که از واقع‌گرایی صحبت می‌کنید اما این واقع‌گرایی به چنین شرایطی تقلیل پیدا کرده.

جلایی‌پور: اصلاح‌طلبی یعنی همین.

زیدآبادی: اگر اصلاح‌طلبی این است، جامعه الآن چنین چیزی را نمی‌پذیرد.

جلایی‌پور: خُب، جریان «دیگه تمومه ماجرا» چه کار توانست بکند؟

زیدآبادی: نمی‌دانم منظور شما از جریان «دیگه تمومه ماجرا» کیست؟ ممکن است جریان‌هایی باشند در خارج از کشور و تحولات را جور دیگری نگاه کنند که موضوع بحث ما نیست. حرف من این است که وقتی عامه مردم شرایط را مطلوب نمی‌بینند، کل نیروهای دست‌اندرکار، از جمله کسانی که قوه مجریه و مقننه را در دست دارند، مقصر می‌دانند. حرف من از ابتدا این بوده که اصلاح‌طلبان نتوانستند استانداردها را تأمین کنند و نه تنها کشور را نسبت به سال ۱۳۷۶ دموکراتیزه‌تر نکرده‌اند که در حوزه‌های دیگر هم در بحران آن دخیل، هرچند ناخواسته، دخیل بوده‌اند.

جلایی‌پور: گفتم این ارزیابی شما خطاست. اصلاح‌طلبان یک نیروی سیاسی هستند و نه مسئول تمام اتفاقات در کشور. ما از دولتی حمایت کردیم که قدرتش یک‌چهارم قدرت حاکمیت است.

زیدآبادی: به هر حال اصلاح‌طلبان دولت را در دست گرفته‌اند، اپوزیسیون که نبوده‌اند. اما شما به اندازه همان یک‌چهارم هم کارنامه‌تان را بررسی کرده‌اید؟

جلایی‌پور: با فرض آن یک‌چهارم معتقدم دوره اصلاحات، یکی از دوره‌های موفق در تاریخ صدساله بوده است. البته من مخالف نقد برخی رویه‌ها یا تصمیم‌های نادرست دولت نیستم. ولی الآن که کشور در تهدید امنیت ملی است، زدن دولت روحانی نامردی است. اصلاح‌طلبان به این نامردی و بی‌خردی سیاسی نمی‌پیوندند.

اندیشه‌پویا: عملکرد دولت روحانی در ماجرای نرخ ارز و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در یک سال گذشته بسیار شبیه دوره احمدی‌نژاد بوده. اصلاح‌طلبان نباید به گونه‌ای عمل کنند که مردم بگویند هر نیرویی که سر کار بود، چه احمدی‌نژاد و چه اصلاح‌طلب، همین‌گونه عمل کرد.

جلایی‌پور: اشتباه نکنید. احمدی‌نژاد یک مردم‌انگیز بود که برخی فکر کردند رجایی‌زمانه است، اما دیدیم که کشور را به وضعیت امروز کشاند. دست ایران را برد زیر ساتور شورای امنیت. در هشت سال یک شغل هم ایجاد نکرد.

زیدآبادی: در مورد کارنامه احمدی‌نژاد و توهمات او درباره مدیریت جهانی با شما هم‌نظرم اما سهم او در روند اوضاع به این اندازه که می‌گویید نیست. دوستان اصلاح‌طلب وقتی نوبت خودشان می‌رسد همه‌چیز را خوب و موجه می‌بینند، اما به احمدی‌نژاد که می‌رسند، کارنامه او کثافت محض می‌شود.

جلایی‌پور: شما کارشناس امور بین‌الملل هستید. چرا ما الآن در ارتباط با برجام مشکل پیدا کرده‌ایم؟ برای چه پرونده ما را به شورای امنیت بردند؟ پرونده ما را خاتمی به شورای امنیت برد؟ خاتمی از محور کشورها و مدیریت جهانی صحبت کرد؟ اگر دولت روحانی نبود به محض خروج ترامپ از برجام تندرها از برجام خارج می‌شدند. حتماً بیانیۀ آن را هم آماده کرده بودند. این‌ها تأثیر مثبت حضور اصلاح‌طلبان است که آقای زیدآبادی آن را نمی‌بیند و تحلیل منجر به بی‌عملی می‌کند و راه‌حل جایگزین و عملی هم ندارد.

زیدآبادی: این ادعاها هیچ کدام پایه و اساسی ندارد. شما از یک طرف می‌گویید دولت فقط یک‌چهارم قدرت را در دست دارد و از طرف دیگر تمام انتخاب‌های استراتژیک کل نظام را به تأثیر دولت نسبت می‌دهید؟ یعنی واقعاً نظام می‌خواسته از برجام خارج شود و دولت روحانی جلو این کار را گرفته است؟ اگر این قدر قدرت دارد پس چرا همان برجام را به ثمر نرساند و نتوانست برجام‌های دو و سه و چهاری را که می‌گفت متحقق کند؟ در واقع دولت روحانی منویات آن جناح را انجام داده تا آن‌ها بتوانند به عنوان نیروی مخالف این نوع کارها هواداران خود را هم حفظ کنند. این که هنر نیست.

جلایی‌پور: هنر که این نیست صحنه رسمی سیاسی و مجلس و دولت را تحویل جریان مقابل بدهید. از نظر من این تلاش‌ها، برای حفظ ایران و تقویت تکثر سیاسی در جامعه و بعد در حاکمیت است. ما داریم در جامعه تمرین همزیستی می‌کنیم. بیست سال پیش این مجال نبود. این همزیستی باید به تدریج در حاکمیت تسری پیدا کند، بدون این که با بی‌دولتی روبه‌رو شویم.

زیدآبادی: چه هنری است که برجام را امضا کردید، تعهداتش را پذیرفتید و اجرا می‌کنید و به رغم خروج امریکا و بازگشت تحریم‌ها به آن چسبیده‌اید. ضمن آن که مگر دولت و مجموعه وزیران یک‌ریز نمی‌گویند برجام تصمیم نظام بوده؟ چرا هر وقت با انتقاد اصول‌گرایان روبه‌رو می‌شوید می‌گویید برجام تصمیم نظام بوده و هرگاه بخواهید برای هواداران خودتان دستاوردسازی کنید می‌گویید اگر این دولت و این وزیر خارجه نبود برجامی هم نبود!

جلایی‌پور: برجام تصمیم نظام بود. ولی این تصمیم از خلأ بیرون نیامد. اول انتخابات پرشور و آگاهی‌بخش 1392 برگزار شد. در آن انتخابات اصلاح‌طلبان بی‌عملی نکردند و در انتخابات حضور فعال داشتند و از تجربه گذشته استفاده کردند و ائتلاف کردند و با یک کاندیدا آمدند و روحانی پیروز شد. سپس روحانی با هماهنگی با نظام برجام را پیش برد و گرنه جلیلی سال‌ها داشت مذاکره می‌کرد. برجام یک حرکت شبیه پذیرش قطع‌نامه 598 بود و چندعلتی است و نقش کنشگری اصلاح‌طلبان و هوشیاری مردم و روحانی و ظریف را نمی‌توان نادیده گرفت.

اندیشه‌پویا: برگردیم به سؤال قبلی؛ این که آیا اصلاح‌طلبان بیش و پیش از شرکت در انتخابات، به یک تحول اساسی در سازمان و گفتمان‌شان نیاز ندارند؟

جلایی‌پور: به شما گفتم که اصلاح‌طلبان از سال 1388 تا سال 1396 برای بقا تلاش می‌کردند. اما در یک سال آینده دیگر این‌طور نیست. آن‌ها با پلتفرم منسجمی پا به عرصه انتخابات خواهند گذاشت و در پروسه منتهی به انتخابات، در روز انتخابات و پس از آن کاملاً فعالانه وارد عمل خواهند شد. همچنین کاندیداها را ملزم به پاسخ‌گویی خواهند کرد. دیگر این‌طور نیست که عده‌ای بروند به مجلس و رها شوند. تجربه خوب شورای پنجم در انتخابات مجلس بعدی دنبال خواهد شد. آن دوره، تمام شد. همه مشغول تهیه متن یک پیمان‌نامه هستند. اگر کاندیدایی می‌خواهد اصلاح‌طلبان دارای آبرو از او دفاع کنند، باید این پیمان را امضا کند. معنای عدم انفعال این است که در انتخابات ریاست‌جمهوری 1400 هم علاوه بر نامزد ریاست‌جمهوری، معاون اول و وزرا نیز مشخص باشند. محورهای کارهای شدنی همین‌طور باید مشخص باشد.

اندیشه پویا: وقتی از مشکل نیرو در جریان اصلاحات صحبت می‌کنیم، به همین موضوع اشاره داریم. اگر به این نتیجه رسیدید که نیروهای بوروکرات و تکنوکرات شما پیر شده‌اند یا فاقد انگیزه اصلاحی‌اند، چه می‌کنید؟

جلایی پور: پیر شدن یعنی چه؟ الآن حزب دموکرات امریکا دارد با سندرز هفتاد و هشت ساله می‌آید! تازه تغییر و انتقال تجربه نسلی که یک پروژه مهندسی نیست؛ به تدریج در جامعه انجام می‌شود. این تغییر نسلی الآن در سینمای ایران به خوبی اتفاق افتاده، در دانشگاه‌ها دارد اتفاق می‌افتد. در اصلاح طلبان هم نشانه‌هایش هست، می‌توانید این نشانه‌ها را در شورای شهر تهران ببینید. در کمیته‌های انتخاباتی اصلاح طلبان ببینید.

اندیشه پویا: منظورتان خانم آروین و آقای محمدرضا جلایی پور هستند؟ فراتر از این عزیزان، قبول ندارید که تجدید سازمان اصلاح طلبی می‌تواند آن را پویا تر کند؟ نگاه کنیم که نیروهای اجرایی اصلاح طلب با چه حاشیه‌های اجرایی مواجه می‌شوند، یا کسانی که وارد مجلس و شورا می‌شوند.

جلایی پور: بحث شخصی نکنید. محمدرضا و آروین نزدیک به چهل سال‌شان است. شما الآن در شورای شهر و شهرداری ده‌ها جوان کارآمد را می‌بینید که روی هوای تهران و شفاف‌سازی منابع درآمدی شهرداری اثر گذاشته‌اند. محمدرضا در سال 1388، خصوصاً 1392 جوان بود. آن زمان آقای زیدآبادی توصیه می‌کرد که جوان‌ها بروند کنار. این جوان‌ها اصلاح طلبان میان‌سال را شگفت‌زده کردند و آن نتیجه را در سال 1392 درست کردند. تحول نسلی در حال رخ دادن است. علاوه بر این، می‌خواهید بگویید برخی اصلاح طلبان دچار فساد مالی شده‌اند؟ بارها گفته‌ام که این سال‌های اخیر با احتساب فضای آنلاین، واقعاً دوره آزادی بیان و طرح اندیشه‌هاست. شما هر اصلاح طلبی خورده و برده، در فضای آنلاین افزایش کنید. هیچ‌کس نمی‌تواند از فساد دفاع کند. شفافیت یعنی همین. هر کسی فساد کرده افشا کنید.

اندیشه پویا: مثالی بزنیم. زمانی که بحث کاندیداتوری محمود حجتی برای شهرداری تهران مطرح شد، محمود صادقی در خصوص او نکاتی را توییت کرد. اما کسی توجهی نکرد و ایشان کاندیدای شما برای شهرداری بود.

جلایی پور: متأسفانه اشکال آقای صادقی این است که تکنواز است. ایشان در فراکسیون امید می‌تواند سازمانی کارش را پی‌گیری کند. چون حجتی از وزرای پاک‌دست است، حتماً چیزی نبوده است. بگوید مسئله حجتی چیست؟ حجتی یک مدیر ضد فساد است.

اندیشه پویا: ایشان گفت که تحقیق و تفحص مجلس از این وزارت‌خانه و شخص وزیر به چه نتایجی رسیده؛ توییت کرد. هر انتقادی به آقای صادقی وارد باشد، ایشان دنبال تخریب و سوءاستفاده از تخریب که نیست.

جلایی پور: مگر کسی از فساد دفاع می‌کند؟ آقای صفدر حسینی در قضیه حقوق‌های نجومی از قبل حقوق‌هایش را پس فرستاده بود. تازه به همان کار هم انتقاد شد. اتفاقاً کارنامه دولت در این ماجرا خوب بود. تا در گروه‌های تلگرامی افشا شد دولت ماستمالی نکرد و پیگیری کرد و پول‌ها را به خزانه برگرداند. الآن همه می‌دانند حقوق شهردار و معاونانش چقدر است. مبارزه با فساد نیازمند شفافیت نهادی است. همین کاری که شورای شهر

و شهرداری تهران کرده. اگر سازمان بزرگی مانند شهرداری بتواند روی شفافیت نهادی کار کند، قرارگاه خاتم و آستان قدس نیز به همین سو خواهند رفت.

اندیشه پویا: در انتخابات مجلس کدامیک از این نتایج برای اصلاح طلبان رقم خواهد خورد: پیروزی مطلق، پیروز نسبی، یا شکست؟

جلایی پور: اصلاح طلبان یکی از نیروهای فعال در عرصه انتخابات و تا روز انتخابات هستند. این خودش مهم است. موفقیت اصلاح طلبان در این است که بتوانند افرادی را که واقعاً کارایی دارند، به مجلس بفرستند. ما باید انتخابات را «بسازیم». الان برای پیش بینی زود است. اگر ما یک اقلیت کارا در مجلس داشته باشیم در شرایط فعلی تهدید ترامپ و تحریم، خودش موفقیت است.

اندیشه پویا: آقای زیدآبادی! نظر شما چیست؟

زیدآبادی: اصلاح طلبان بضاعت سازمانی ندارند که بخواهند نقش مؤثری در انتخابات پیش رو داشته باشند.

جلایی پور: خُب اگر اصلاح طلبان بضاعت سازمانی و منسجم حزبی داشته باشند یعنی ما وارد تحکیم دموکراسی و مثل سوئیس شده ایم. اصلاح طلبان بیست سال است سیال و جبهه‌ای عمل می‌کنند؛ تا عمل سازمانی و حزبی راه بلندی در پیش داریم.

زیدآبادی: یک دوره این فرصت را داشتید، اما از آن خوب استفاده نکردید. اصلاح طلبان بضاعت تشکیلاتی و پایگاه منسجم اجتماعی ندارند. در توده مردم نفوذ قبل را ندارند. تأثیری جدی هم بر اوضاع نمی‌گذارند. البته ممکن است عواملی خارج از اراده و توانایی خودشان، بر سرنوشت آن‌ها تأثیر بگذارند. مثلاً اگر جریان مقابل به هر دلیلی تصمیم بگیرد که مشکلات خود را با امریکا حل کند و چرخش اساسی در سیاست‌های جاری بدهد، به طور اجتناب‌ناپذیر و ناخواسته‌ای، به سمت اصلاح طلبان چرخش پیدا خواهد کرد. این تنها شانس است که اصلاح طلبان دارند و در این صورت، فعال می‌شوند و چه بسا موقعیتی پیدا کنند، البته موقعیت موقت که نمی‌دانم فرجامش چیست.

جلایی پور: منظور آقای زیدآبادی این است که ما رحم اجاره‌ای می‌شویم!

زیدآبادی: من از رحم اجاره‌ای چیزی نمی‌دانم. شاید نیروی دوران انتقال شوید. پس خیال کرده‌اید تا ابد همه چیز دست شما می‌ماند؟ شاید اوضاع به سمتی که گفتم برود اما تا آن زمان با توجه به مجموعه فشاری که به لحاظ معیشتی روی جامعه می‌آید، اصلاح طلبان توانایی و اراده این را ندارند که بر موج‌های اعتراضی سوار شوند، و به صلاح‌شان هم نیست این کار را کنند.

جلایی پور: «همه چیز دست ماست» یعنی چه؟ الان چه چیزی دست اصلاحات است؟ چندبار گفتم اصلاح طلبان یک نیروی تأثیرگذار سیاسی هستند و برای آینده ایران هم دارند یک زیربنای نظام دو یا سه حزبی می‌سازند.

زیدآبادی: بگذارید صحبتیم را ادامه بدهم. سوار شدن اصلاح‌طلبان بر موج اعتراضات اجتماعی مقذور و معقول نیست زیرا ورود به فاز براندازانه انقلابی است. اساساً نیرویی که سال‌ها اصلاح‌طلب بوده، با آن کیفیتی که می‌دانیم، نمی‌تواند به فاز دیگری بپردازد. این راه بسته است. نیرویی با عنوان تحول‌خواه هم نمی‌تواند در ایران شکل بگیرد، چون او هم نمی‌تواند در ایران، سازمان ایجاد کند. این که یک آدم، دو آدم، ده آدم به طور پراکنده از تریبون‌های مختلف و در جاهای مختلف، این حرف‌ها را بزنند، به این معنی نیست که می‌توانند کاری انجام دهند. برای همین است که می‌گویم پرسش «چه باید کرد» را به عنوان جبر بر دیگران تحمیل نکنیم. انگار ماشین شما در بیابان، خراب شده است و می‌خواهید بگویید که باید حتماً آن را راه اندازم. آیا ممکن است؟ باید دید چه کار می‌شود کرد. عجلتاً راه برای اصلاح‌طلبان بسته است. اگرچه معتقدم اصلاح‌طلبان به هر قیمت در انتخابات شرکت خواهند کرد. من این را هم نمی‌گویم که جناح اصول‌گرا، برنده انتخابات می‌شود. مردم از اصلاح‌طلبان ناراضی‌اند، اما به آن‌ها اقبال ندارند. آن‌ها خیلی بیش‌تر سقوط کرده‌اند. چون اصلاً برنامه و راهکاری ندارند. بنابراین اصلاح‌طلبانی که سال آینده تأیید صلاحیت شوند، بعضاً با رأی حداقلی به مجلس خواهند رفت. هیچ معجزه‌ای هم نخواهند کرد. در بهترین حالت مثل همین دوره فعلی خواهند بود. این‌طور نیست که اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس یازدهم به کلی بازنده و حذف شوند. در قدرت حضور خواهند داشت، اما بی‌اثر. به نظرم با توجه به موقعیت و جایگاهی که اصلاح‌طلبان در این شرایط دارند، حضورشان در انتخابات، بیش‌تر به زیان‌شان است تا به نفع‌شان. با این شناخت، می‌گویم بهتر است کل اصلاح‌طلبان از مسئولیت دولتی شانه خالی کنند، نه به عنوان این که بخواهند قیام کنند یا جنبش خیابانی راه بیندازند یا در صدد انقلاب دوباره‌ای برآیند، نه! آن‌ها می‌توانند به افکار عمومی بگویند که ما با رویکردهای مشخصی می‌خواستیم کار را پیش ببریم که نشد، بهترین راه برای ایشان همین است.

جلایی‌پور: اصلاح‌طلبان نه «می‌خواهند» روی موج اعتراضات سوار شوند و نه «می‌توانند» سوار شوند. سروکار اصلاح‌طلبان با کسانی است که می‌خواهند رأی بدهند. کسی که رأی می‌دهد موج اعتراضی نیست. پیش‌بینی من بر اساس تجربه ده انتخابات مجلس در چهل سال گذشته این است که حداقل پنجاه درصد مردم در کل کشور در انتخابات شرکت می‌کنند ممکن است در شهرهای بزرگ مشارکت کم‌تر باشد. ما بر خلاف شما این جمعیت را واگذار نمی‌کنیم به تندروها. انتخابات همچنان بهار سیاسی و آموزشگاه دموکراسی در ایران است. خروج از حاکمیت که راهبرد اصلاح‌طلبانه نیست!

زیدآبادی: این چیزی که من می‌گویم اصلاً خروج از حاکمیت یا خروج بر حاکمیت نیست، بلکه عدم ورود به حاکمیت است. در ایران، نیرویی وجود دارد که قدرت اصلی دست اوست. اعتقاد دارم در مجموع به نفع جریان اصلاح‌طلبی و کم‌هزینه‌تر شدن اوضاع است که خود این نیرو، حالا که قدرت دارد، مسئولیت را هم تماماً بر عهده بگیرد.

جلایی‌پور: این می‌شود تکرار دوره احمدی‌نژاد.

زیدآبادی: نه! این تکرار احمدی‌نژاد نیست. چون احمدی‌نژاد از بیرون، وارد سیستم این‌ها شد. نقطهٔ وسط این‌ها نبود. برای همین هم در دور دوم، آن‌ها بیش‌تر از شما به او حمله کردند و او را بی‌چاره کردند. الان هم که موضعش روشن است. آدمی شبیه او نخواهد آمد. اما تپیی مانند آقای قالیباف خواهد آمد. با این توضیح که امروز دیگر مثل زمان احمدی‌نژاد قیمت نفت ۱۴۰ دلار نیست. خزانهٔ پری هم ندارند. پس احتمالاً مسئولیت‌پذیر خواهند شد.

اندیشه‌پویا: آقای زیدآبادی! کنار کشیدن از صحنه، به نظر شما یک کنش اصلاح‌طلبانه است؟ برخی می‌گویند شما مبلغ انفعال هستید و این پیشنهاد شما کنش نیست، بلکه بی‌عملی است.

زیدآبادی: مگر از آسمان آیه نازل شده که در هر شرایطی حتماً کنش انجام دهید؟ آن هم کنش معطوف به تسخیر دستگاه دولت؟ این اصل که در هر حال باید کاری کرد از کجا آمده؟ کنش شما باید بر اساس شرایطی که در آن به سر می‌برید تعیین شود. مثلاً دور شما سیم خاردار کشیده‌اند، می‌گویند کنش کن. کنشگری در چنین شرایطی یعنی این که تقلا کنی تا تمام بدنت زخم شود. پس بهتر است تا اطلاع ثانوی حتا تکان نخوری، چه برسد به کنش. اگر عده‌ای این را انفعال می‌نامند خُب بنامند! از برجسب که نباید هراسید. باید شرایط را بسنجید و ببینید چه می‌توان کرد. اگر اسم این انفعال است، چیز خوبی است. اگر عدم کنش است، کار بسیار خوبی است. تنها کار خوبی است که می‌شود کرد. چون دیگر راه‌ها مشکل‌زاست. ادامهٔ وضع موجود برای اصلاح‌طلبان مضر است و حضورشان در مجلس نیز به‌جز این که از سرمایهٔ اجتماعی‌شان بکاهد حاصلی ندارد. در ثانی مگر فقط هر اقدامی که به منظور حضور در نهادهای قدرت صورت گیرد کنش است؟

اندیشه‌پویا: یعنی نیاز نیست برنامه‌ای هم که آقای جلالی‌پور گفتند، آماده شود؟

زیدآبادی: برنامه‌ای وجود ندارد. در یک شرایط عادی اول باید حزبی وجود داشته باشد و آن حزب برنامه‌ای تهیه کند و بعد از موفقیت در انتخابات آن برنامه را از تصویب مجلس بگذرانند تا به مرحلهٔ اجرا برسد. وضع اصلاح‌طلبان در حدی از انسجام نیست که بتوان از برنامهٔ حتا حداقلی حرف زد. فوقش اعلام می‌کنند که تصمیم گرفته‌اند در انتخابات شرکت کنند و چند شرط هم می‌گذارند و بعد یکی‌یکی آن‌ها را نادیده می‌گیرند و گویی این هم شد برنامه!

جلالی‌پور: برخورداری از حزب استاندارد یعنی ورود ایران به مرحلهٔ تحکیم دموکراسی. ایران سال‌هاست که در تلاش برای ورود به مرحلهٔ تحکیم دموکراسی است. شرایط تحکیم دموکراسی در سوئیس است.

زیدآبادی: چرا مرتب سوئیس را مثال می‌زنید. در عراق، افغانستان، پاکستان و بنگلادش احزاب قدرتمند وجود دارند.

جلالی‌پور: همین که اصلاح‌طلبان در حد جبهه می‌توانند حضور داشته باشند، مغتنم و حرکت روبه‌جلو است. شرایط توزیع قدرت در این کشورها با ایران امروز متفاوت است.

زیدآبادی: بله! ما شاید ده‌ها سال دیگر هم سوئیس نشویم اما آیا بنگلادش شدن هم داعیه بزرگی است؟ اگر ما در حوزه سیاسی، وضعیت بنگلادش را هم نداریم، پس توسعه سیاسی ما کجاست که به آن می‌نازیم؟ برای همین حرف‌هاست که جمع‌بندی من این است که اگر اصلاح‌طلبان فعالیت سیاسی را رها کنند و دنبال یک کار مؤثر بروند، خیلی بهتر است.

جلایی‌پور: همین الان ایران سرآمد منطقه است و برای همزیستی و دموکراسی تلاش می‌کند. ما در انتخابات فعالانه و معنادار به صحنه خواهیم آمد. از میراث انقلاب اسلامی، نهاد انتخابات را داریم و آن را واگذار نمی‌کنیم. اما به نظر آقای زیدآبادی فعال‌ترین نیرو در توجیه انفعال و بی‌عملی است.

زیدآبادی: من می‌گویم کاری به ورود به حکومت نداشته باشید، اما ده‌ها کنش دیگر هست که می‌توانید انجام دهید و مؤثر باشید.

جلایی‌پور: در عرض دو ساعت بحث یک مورد از آن ده‌ها کنش را نگفتید! شما چرا اصلاح‌طلبان را به ترک صحنه رسمی سیاست دعوت می‌کنید. خودتان به این توصیه عمل کنید و در یک حوزه دیگری کار کنید.

زیدآبادی: شما ظاهراً از بحث من دچار سوءتفاهم عمیق شده‌اید. من کارم عموماً در حوزه مدنی بوده و سیاست را هم در همین حوزه دنبال کرده‌ام و همواره به صحنه سیاست رسمی بی‌اعتنا بوده‌ام. هیچ وابستگی شغلی و مالی هم به دولت نداشته و ندارم. در کشوری که سایه دولت بر همه جا گسترده شده این برای خودش هنری است. اصلاح‌طلبان اگر خارج از سیطره دولت حتی شغلی خصوصی برای خودشان دست و پا می‌کردند و نیازمند حقوق دولتی نبودند، جامعه کلی تقویت شده بود. اما متأسفانه بسیاری از آن‌ها راه بقا و شغل و موقعیت‌شان را چسبیدن به ماشین دولت می‌دانند و دلیل اصلی‌شان برای فعالیت سیاسی حفظ همین موقعیت‌های دولتی و دستیابی به آن است اما آن را تحت عنوان نجات کشور و غیره توجیه می‌کنند. من نمی‌گویم شما سیاست را رها کنید. حرفم این است که سیاست به قصد ورود به ارکان قدرت را برای مدتی رها کنید و در حوزه مدنی سیاست‌ورزی کنید اگر می‌توانید. الان کل جریان اصلاحات گروگان طیفی از نیروهای آن شده است که مدیر و مدیرکل و وزیر و وکیل‌اند و به هر قیمتی هم می‌خواهند این پست‌ها را برای خود تحت عنوان اصلاح‌طلبی حفظ کنند حتی به بهای بی‌اعتبار شدن اصلاح‌طلبی.

جلایی‌پور: ببینید جریان سیاسی «جبهه اصلاحات» در ایران خوشبختانه بنا بر تجربیات ایران معاصر و دو سده جهان مدرن، ویژگی اصلی اصلاحات را می‌داند که چیست و دائم گیج نمی‌زند و در بیست سال گذشته بر اساس همین خصیصه عمل کرده و در انتخابات آینده هم بر اساس همین خصیصه عمل می‌کند. خصیصه اصلی اصلاحات سیاسی چیست؟ برای یک اصلاح‌طلب سیاسی حل مشکلات جامعه از طریق «تقابل» با حکومت انجام نمی‌شود بلکه یک نیروی اصلاح‌طلب در جامعه مدنی فعالیت می‌کند و از طریق تشکل‌های سیاسی (که در شرایط کنونی ما همین «جبهه شناخته‌شده اصلاحات» است که حضور فعال در چهار انتخابات مهم داشته) در صحنه‌های انتخاباتی شرکت فعال می‌کند و اگر مردم به آن‌ها رأی دادند حتماً و بدون شرمندگی در دولت و مجلس در جهت وعده‌هایی که داده‌اند تلاش می‌کنند. این به معنای آن نیست که آن‌ها در قدرت، مخالف ندارند و به همه وعده‌های خود حتماً می‌توانند عمل کنند یا در بین آن‌ها خطاکار و فرصت‌طلب نیست. ولی نباید فراموش کنیم که حرکت

اصلاح‌طلبی در تعامل و تلاش نیروهای اصلاح‌جو در جامعه مدنی و دولت انجام می‌شود، نه در تقابل با دولت. اگر این خصیصه کار از موضع جامعه مدنی با حاکمیت را از یک نیروی اصلاح‌طلب بگیرید آن نیرو دیگر اصلاح‌طلب نیست. توجه داشته باشید این نیروهای انقلابی هستند که چون رژیم‌ها را تماماً نامشروع می‌دانند لذا می‌روند در جامعه مدنی فعالیت می‌کنند تا روزی که فرصت پیدا شود بتوانند رژیم را تغییر دهند. نیروهای اصلاح‌طلب اگر از مردم رأی آوردند از این که پست بگیرند و در دولت و مجلس فعالیت کنند، شرمند نیستند. توجه داشته باشیم حرکت اصلاحی دستاورد چشمگیر ندارد ولی تدریجی و دستاوردهایش ماندگار است و مردم برای مشارکت در حرکت اصلاحی نباید مثل انقلاب‌ها برای سیاسیون هزینه بدهند. بر این مبانی است که اصلاح‌طلبان در انتخابات 1398 حضور «فعال» خواهند داشت. تازه شکست هم بخورند خود آن هم از لوازم دموکراسی است و در انتخابات 1400 قوی‌تر ظاهر می‌شوند.